

ارتقای امنیت شهری از طریق مدیریت شهری

سید محمد حسین سیدی فرد^۱، فریبرز احمدی دهکاء^۲

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی

^۲ استادیار جغرافیای سیاسی دانشگاه پیام نور

نویسنده مسئول:

سید محمد حسین سیدی فرد

چکیده

با گسترش فیزیکی و اجتماعی شهرها میزان ناهنجاری شهری نیز افزایش یافته است. به طوری که محیط اجتماعی و مسکونی افراد، ساختارهای نامناسب شغلی، ناکامی اجتماعی و فقر اقتصادی زمینه بروز ناامنی شهری را فراهم آورده است. نیاز به امنیت همواره از بنیادی‌ترین نیازهای بشر و مسئله وقوع جرم از مسائل جامعه بشری به شمار آمده است. امنیت به معنای تضمین تداوم ارضاء نیازهای انسانی است. شکل گیری احساس امنیت در رابطه با محیط صورت می‌گیرد و آن شناسایی محدوده و قلمروهایی است که فرد در آن قرار دارد. فضا نمی‌تواند در یک خلاء اجتماعی دیده شود. در حقیقت امنیت ارتباط مستقیمی با فضا و کیفیت محیط شهری دارد. از این رو شناخت روان شناسانه از رفتار انسان شهری برای ایجاد محیطی کارآمد و مناسب امری ضروری است. امنیت همواره به واسطه نقش مهمی که در بهبود محیط، کالبد و فضای شهری برای استفاده مطلوب‌تر شهروندان دارد، مورد توجه طراحان و برنامه ریزان شهری بوده است. مقاله حاضر با روش تحلیلی- اسنادی به بررسی موضوع امنیت شهری و مفاهیم پیوسته آن پرداخته است. نتایج و یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که مفهوم امنیت در فضای شهری از مقولات مشترک بین روانشناسان طراحان شهری است و شهرداری به عنوان سازمان مسئول در مدیریت شهری، ارتقاء امنیت شهری شهروندان را براساس بعد کالبدی و اجتماعی شهر بر عهده دارد. با ارتقاء هر یک از این ابعاد در فضای عمومی شهری می‌توان به ارتقاء امنیت شهری دست یافت.

کلمات کلیدی: امنیت، فضای عمومی شهری، مدیریت شهری، امنیت اجتماعی و کالبدی.

مقدمه

انسان موجود پیچیده‌ای است که دارای انگیزش‌های مادی، معنوی و روحی گوناگونی است. انگیزش نیروی هدایت کننده و سازمان دهنده ادراک و شناخت و رفتار هدفمند آدمی است. با تکامل انگیزش، رفتارها برای ارضای نیازها وارد عمل می‌شوند. از این رو طراحی و برنامه ریزی محیطی، شناخت نیازهای انسان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (گلی، ۱۳۹۰). نیاز به امنیت همواره از بنیادی ترین نیازهای بشر و مسئله وقوع جرم از مسائل جامعه بشری به شمار آمده است. امنیت در معنای کلی به معنای تضمین تداوم ارضای نیازهای انسانی است. بنابراین متناسب با هر نوع نیاز انسانی یک نوع امنیت وجود دارد. نبود یا کمبود امنیت ناامنی نامیده می‌شود. ناامنی در ارضای هر یک از نیازها، بخشی از عملکردهای انسانی را دچار اختلال می‌کند. به همین خاطر بسیاری از مولفان امنیت را ذیل نیازهای بنیادی انسان قرار داده‌اند. شکل دیگر احساس امنیت در رابطه با محیط صورت می‌گیرد و آن شناسایی محدوده و قلمروهایی است که فرد در آن قرار دارد. این موضوع از اهمیت بالایی برخوردار بوده و از مقولات مشترک بین روانشناسان و طراحان شهری است (اصفهانیان، ۱۳۹۲). با افزایش پیچیدگی جوامع، شرایط تأمین این نیاز و برطرف کردن این مسئله نیز پیچیده‌تر شده است. از همین رو فضای شهری مناسب تا حد زیادی تأمین کننده امنیت و فضای نامناسب شهری، فضاهای بی دفاع و محله‌های ناامن از عوامل تهدید کننده امنیت شهری و اجتماعی هستند. با توجه به اینکه بشر رفاه و آسایش خود را در داخل شهر جستجو می‌کند، شهرداری در تحقق این ضرورت مهم به عنوان یک سازمان مسئول مدیریت امور شهری را بر عهده دارد تا با ایجاد و اداره کردن تأسیسات عمومی و وضع و اجرای نظارت شهری و ارائه خدمات و کالا به تمامی شهروندان بپردازد. بنابراین چنین به نظر می‌رسد که توجه به مفاهیم امنیت شهروندان جدای از اثرات اجتماعی و فرهنگی بر الگوهای رفتار شهروندان و بهبود کیفیت‌های محیطی نواحی سکونت و اثرات مرتبط بر نقش کالبدی شهر بر کاهش ناامنی‌های شهری و ارتقاء امنیت‌ها تأثیر دارد (حیدرپور، ۱۳۹۳).

نیاز به امنیت، همواره از بنیادی ترین نیازهای انسان در جامعه بشری بوده است. اما رشد روز افزون محدوده شهرها، گسست افراد جامعه در واحدهای همسایگی و کمرنگ شدن ارتباط آنها با یکدیگر، بروز مشکلات اجتماعی و عدم امنیت را در برداشته است. چرا که امنیت اجتماعی و به طور کل امنیت، ارتباط مستقیمی با فضا و ساخت و ساز شهری دارد. از طرفی فضای شهری با ساختار کالبدی و کارکرد اجتماعی اش عرصه مطلوبی برای رشد و بالندگی جامعه است و با توجه به این ویژگی باید بتواند محیط امن و سالم را فراهم کند (قرایی و همکاران، ۱۳۸۹، ۱۷). در واقع می‌توان گفت امنیت یکی از اصلی ترین عوامل پایداری جوامع امروزی به شمار می‌آید. بدون ثبات و امنیت هیچ جامعه‌ای امکان رشد و تکامل را نخواهد یافت. بدون آن دستاوردهای مثبت جای خود را به پیامدهای منفی می‌دهند و ناگواری‌های اجتماعی فراوانی پدید می‌آیند. در این میان، طراحی شهری نقش مهمی را در ایجاد امنیت یا ناامنی فضاهای زیستی شهری بر عهده دارد (نیومن، ۱۳۸۱، ۱۸). در نتیجه ممکن است آمار خشونت در شهرهایی که اصول صحیح طراحی رعایت نشده است، بیشتر باشد. یکی از مهمترین مباحثی که طی سالهای گذشته به دلایل گوناگونی نظیر تراکم جمعیت و کاهش روابط چهره به چهره انسانی، مد نظر برنامه ریزان و مدیران شهری قرار گرفته است، مقوله امنیت شهروندان است. وجود امنیت در محیط‌های شهری یکی از الزامات اساسی کیفیت زندگی محسوب می‌شود (صالحی، ۱۳۸۳). امروزه با توجه به گستردگی شهرنشینی و رواج ناامنی‌های اجتماعی در شهرها، مطالعه موضوع امنیت، عوامل مؤثر بر آن و راهکارهای تقویت امنیت در شهرها ضرورت یافته است. پژوهشگران و متخصصان شهری در دهه‌های اخیر به نقش شهرسازی از طریق اتخاذ تدابیر و سیاست‌ها در خلق محیط‌های مطلوب و ترکیب مناسب کاربری‌های مختلف شهری در پهنه فضاهای موجود شهر و... آگاهی یافته و در این زمینه به نظریه‌هایی از جمله نظریه فضاهای قابل دفاع، پیشگیری از وقوع جرم از طریق طراحی محیطی و جرم شناسی محیطی دست یافته‌اند و بر این عقیده‌اند که با بکارگیری اصول و پایه‌های نظریه‌های یاد شده در شهرسازی می‌توان از وقوع جرم و بزهکاری در محیط شهری پیشگیری نموده و یا میزان آنرا کاهش داد و به این ترتیب میزان امنیت شهروندان را ارتقاء بخشید. یکی از رویکردهای جدید در حوزه امنیت شهری، رویکرد امنیت از طریق طراحی است.

ایده اصلی رویکرد امنیت از طریق طراحی در این است که محیط فیزیکی نقشی مهم در وقوع جرم بازی می‌کند (Armitage, 1999). بر این اساس رویکرد حاضر را می‌توان طراحی مناسب و به کارگیری بهینه محیط مصنوع در کاهش جرایم شهری دانست که در بهبود کیفیت زندگی و افزایش رضایت‌مندی شهروندی تأثیر بسزایی دارد (Cozens, 2002). این مقاله به بررسی مفاهیم امنیت و ابعاد آن در عرصه عمومی شهری و نقش مدیریت و طراحی شهری در ارتقاء امنیت شهری پرداخته است.

مفهوم امنیت

امنیت واژه‌ای است با ابعاد و شاخصه‌های ذهنی ویژه که به آرامش و سکون درونی فرد و احساس رضایت او از آرامش و آسایش موجود در بطن محیط اشاره دارد.

«امنیت» (security) از ریشه لاتین "secure" که در لغت به "معنای نداشتن دلهره و دغدغه است" می‌باشد.

بنابراین معنای لغوی امنیت "رهایی از خطر، تهدید، آسیب، اضطراب، هراس، ترس، نگرانی" یا وجود "آرامش، اطمینان، آسایش، اعتماد، تامین و ضامن" است (الماسی فر و انصاری، ۱۳۸۹). بر این اساس می‌توان معانی زیر را بر مفهوم امنیت متصور شد: امنیت دارای معانی آرامش و آسایش و ایمنی است (عمید، ۱۳۴۵). همچنین امنیت از ریشه امن به معنی ایمنی، آرامش قلب و خاطر جمع بودن است (بمانیان و محمودی‌نژاد، ۱۳۸۸). امنیت در فرهنگ فارسی به معنای آزادی، آرامش، فقدان ترس و عدم هجوم دیگران آمده است (الماسی فر و انصاری، ۱۳۸۹). امنیت رهایی نسبی از تهدیدهای زبان بخش و تضمین رفاه آتی است (ربیعی، ۱۳۸۵). امنیت در معنای عینی فقدان تهدید در برابر ارزش‌های کسب شده است (روشندل، ۱۳۹۵). در فرهنگ علوم رفتاری دو معنا از این واژه ارائه شده است: ۱- حالتی که در آن ارضای احتیاجات و خواسته‌های شخصی انجام می‌پذیرد. ۲- احساس ارزش شخصی، اطمینان خاطر، اعتماد به نفس و پذیرش که نهایتاً از سوی طبقات اجتماعی نسبت به فرد اعمال می‌شود (هزار جریبی، ۱۳۸۸).

انسان ایمن، سرشار از انگیزه است و برای هرگونه پیشرفت، مستعد و مهیا می‌باشد. امنیت و ایمنی در سلسله مراتب نیازهای انسانی مرتبه بالاتر از نیازهای زیستی همچون خوراک، پوشاک و مسکن را به خود اختصاص می‌دهد. به عبارت دیگر، اولین و اساسی‌ترین نیاز انسانی هر فرد امنیت می‌باشد. آبراهام مازلو^۱ سلسله مراتبی از نیازها را ارائه کرد که از نیازهای زیستی آغاز می‌شود و در سطوح بالاتر به انگیزه‌های روانی پیچیده تری می‌رسد. در این هرم سلسله مراتبی نیازهای ایمنی، احساس امنیت کردن و دور از خطر بودن بعد از نیازهای فیزیولوژیک قرار گرفته است. بر اساس نظریه مازلو نیاز به امنیت یک نیاز روانی است که در صورت عدم ارضاء روان آدمی آزرده می‌شود (کجباف، ۱۳۸۱).

مفهوم فضای شهری امن

مفهوم فضای شهری امن در مقابل فضای شهری ناامن قرار دارد. پدیده ناامنی دارای دو جنبه عینی و ذهنی است و کلیه عرصه‌های زندگی را در بر می‌گیرد. مقوله ناامنی از جنبه عینی، کلیه مظاهر ناامنی از جمله سرقت، قتل و خشونت را شامل می‌شود و مقوله ناامنی از جنبه ذهنی، شامل داوری در خصوص امنیت منطقه و فضا است. ناامنی پدیده‌ای همانند فقر است و می‌توان گفت که فقر مقدمه دیگر پدیده‌های آسیب‌شناختی از جمله ناامنی، خشونت شهری است (صالحی، ۱۳۸۷). از لحاظ کمی و آماری ناامنی را می‌توان با تعداد پرخاشگری‌ها، تعداد مکان‌های وقوع جرم، ماهیت، جنسیت و سن افراد قربانی محاسبه نمود. بخش دیگر ناامنی شهری رهیافت ذهنی پدیده‌ها به معنای احساس ناامنی است. اهمیت ناامنی معمولاً در بعد نمادی و فرهنگی آن با آثار مختلفی از جمله اضطراب همراه می‌باشد. این بعد نمادی و فرهنگی معمولاً در دوران بحران خصوصاً در عصر فرا صنعتی بیشتر محسوس است و در این شرایط بعضی مکان‌ها توسعه یافته‌تر از دیگر جاها می‌باشند و تقریباً ناامنی را در متروها و پارک‌های شهری، مجتمع‌های بزرگ و محله‌ها بیشتر دیده می‌شوند (کجباف، ۱۳۸۱). مرکز بین المللی جرائم (NICP, 2006) رویکرد CPTED را طراحی و استفاده مناسب از محیط ساخته شده برای کاهش یا جلوگیری از جرائم و بهسازی کیفیت زندگی می‌داند. روزنامه بین المللی جلوگیری از جرائم (JCI, 2006) توجه به امنیت را مولفه ای اساسی در طراحی فضاهای مصنوع شهر می‌داند، چرا که احتمال وقوع جرائم و ارتکاب آنها را کاهش می‌دهد. انجمن بین المللی (ICA, 2005) CPTED نیز آن را استفاده هوشمندانه از فضای ساخته شده در جلوگیری از جرائم در فرایند طراحی و برنامه ریزی محیط مصنوع تعریف می‌کند. شورای ملی جلوگیری از جرائم (NCPC, 2006) نیز به استفاده هوشمندانه از محیط مصنوع در طراحی فضاهای شهری اشاره دارد که می‌تواند پتانسیل جرم‌خیزی مناطق را کاهش دهد. «تیم کرو» (مدیر دپارتمان بین المللی جلوگیری از جرائم از طریق طراحی محیطی) (Crowe, 1991). آن را راهی برای تحقق شهری ایمن می‌داند که از اقدامات پیشگیرانه از طریق طراحی و برنامه ریزی شهری برای کاهش احتمال تجاوز و جرائم شهری، بهره می‌گیرد و سوزان آجوک (دبیر دپارتمان جلوگیری از جرائم شهری در سطح محله ای شهر پترزبورگ) به فرایند پیشگیری قبل از درمان در احتمال وقوع جرائم اشاره می‌کند و یکی از رسالت‌های طراحی شهری و معماری فضاهای شهری را در کاهش پتانسیل‌های طبیعی جرم‌خیزی مناطق می‌داند. بر این اساس می‌توان این رویکرد را یک رویکرد ترکیبی در طراحی ساختار کالبدی شهر دانست که از طریق آرایش و طراحی کالبد شهر برای جلوگیری از ارتکاب جرائم و یا کاهش آن بهره می‌برد (Fleisher, 1996).

^۱ Abraham Maslow

امنیت اجتماعی و ابعاد آن

امنیت اجتماعی به قلمروهایی حریم افراد و مربوط می‌شود که در ارتباط با افراد دیگر جامعه، سازمان‌ها و دولت‌ها می‌باشد (مولر، ۲۰۰۰). می‌توان امنیت اجتماعی را به دو بعد عینی (امنیت واقعی) و ذهنی (احساس امنیت) تقسیم کرد. بعد عینی امنیت اجتماعی: این بعد از امنیت به کمیت جرایم، آسیب‌ها و ناهنجاری‌های اجتماعی در جامعه می‌پردازد که تغییر در میزان آنها امنیت جامعه را تغییر می‌دهد. بعد ذهنی امنیت اجتماعی (احساس امنیت): احساس امنیت پدیده روان شناختی- اجتماعی است که دارای ابعاد گوناگونی می‌باشند. این احساس ناشی از تجربه‌های مستقیم و غیر مستقیم افراد از شرایط و اوضاع محیط بیرونی است و افراد مختلف به صورت‌های گوناگونی آن را تجربه می‌کنند (قاسمی‌کبا، ۱۳۹۴). نبود امنیت می‌تواند معنایی از بی‌نظمی را ایجاد کند که در آن شهروندان قادر به اعمال کنترل غیر رسمی بر اجتماع خود نبوده و این امر منجر به افزایش جرایم و به تبع آن سطوح بالاتر احساس ترس می‌شود. از نظر بسیاری از محققان امنیت یکی از مسائل مهم شهرها است و تأثیر قابل توجهی بر فعالیت‌های اجتماعی و کیفیت زندگی شهروندان دارد (حسینیون، ۱۳۸۴).

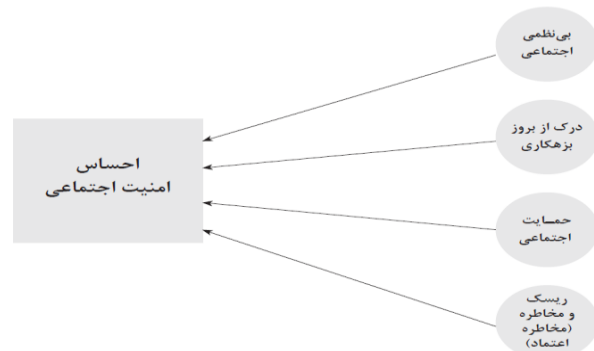
اهمیت امنیت در شهرها

جان لنگ^۲ در مدل امتیازهای انسانی، سلسله مراتب و روابط بین نیازها در قالب دسته‌های مشتمل بر نیازهای فیزیولوژیکی امنیت، وابستگی، عزت و اعتماد به نفس، تحقق خویشتن و زیبا شناختی مورد بررسی قرار می‌دهد و امنیت را به عنوان یکی از نیازهای اساسی در مرتبه دوم این تقسیم بندی قرار می‌دهد (پاکزاد، ۱۳۸۸). ماده ۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر، امنیت را در ردیف آزادی قرار داده است و به شدت مورد تأکید قرار می‌دهد که دولت مسئول تأمین و تضمین این حقوق و برقراری امنیت در شهرها است و این حقوق، باید به واقعیت بپیوندد (بکان، ۱۳۸۹). هر چه امنیت در محیط شهری افزایش یابد ارتباطات اجتماعی بین افراد یک اجتماع یا محله وسیع‌تر می‌شود و آنان می‌توانند برای خود شبکه‌ای از روابط را بسازند و از این طریق احساس تعلق خاطر به اجتماع شکل خواهد گرفت. افزایش شبکه روابط اجتماعی به خودی خود افزایش سرمایه اجتماعی را به همراه خواهد داشت. دلبستگی عاطفی به عنوان عنصر اساسی همبستگی اجتماعی، عامل اصلی کنترل منطقه‌ای به شمار می‌رود، چرا که احساس تعلق خاطر به اجتماع باعث می‌شود تا افراد احساس کنند که تحت کنترل اجتماع خود قرار دارند و اجتماع به فکر آنان است و امنیت لازم را برای آنان فراهم می‌کند. حضور گسترده و فعال ساکنین در شهر، شرط لازم و اساسی فراهم آمدن سرزندگی، عدالت و امنیت شهری است. بنابراین اولین ضامن شکل گیری رابطه اجتماعی امنیت است. با امنیت، شهرنشینی رونق پیدا می‌کند، ابنیه و آثار معماری شکل می‌گیرد، نظام شهری به سمت نظم راه می‌سپارد، جایگاه‌ها تعریف و باز می‌شوند. همچنین به مجردی که امنیت تحلیل می‌رود، زندگی شهرنشینی، تجارت و پیشه وری تحلیل می‌رود، مهاجرت از شهرها شدت می‌گیرد و در مواردی با هجوم بیگانگان شهر نابود می‌شود (صادقی و همکاران، ۱۳۹۰).

احساس امنیت در شهرها

براساس تمایز بین مرز احساس و واقعیت می‌توان احساس امنیت را از امنیت واقعی تفکیک کرد. گاهی ممکن است ناامنی‌هایی در جامعه وجود داشته باشد ولی مردم احساس امنیت کنند و بالعکس (عیوضی، ۱۳۸۰). احساس امنیت موضوعی روانشناختی است، وقتی انسان با شنیدن خبری در زمینه‌های گوناگون و یا مشاهده رفتار یا اتفاقی که مستقیم با تعلقات و منافع مادی و معنوی وی در تضاد بوده و به نوعی خاطر جمعی، اطمینان ایمنی، آسودگی و آرامش قلبی او را تحت تأثیر قرار داده و ذهن او را درگیر کرده رو به رو می‌شود. در چنین شرایطی احساس ناامنی به وی دست خواهد داد. در شرایط ناامنی درگیر شدن ذهن انسان به هیچ امری برای او جالب توجه و لذت بخش نیست، بنابراین احساس امنیت را می‌توان اینگونه تعریف نمود "احساس آزادی نسبی از خطر، این احساس وضع خوشایندی را در مردمان ایجاد می‌کند که فرد در آن دارای آرامش روحی و جسمی می‌شود" (رجبی، ۱۳۸۲). اگر چه امنیت مسئله مهمی است، اما بسیاری از جامعه شناسان احساس امنیت را مهم‌تر و ضروری‌تر از وجود امنیت توصیف می‌کنند و معتقدند عوامل بسیاری در فقدان یا کمبود این احساس در جوامع مختلف دخیل اند. همچنین بسیاری از دانشمندان معتقدند که امنیت یک پدیده احساسی و ادراکی است و بیشتر به احساس روانی شهروندان از عوامل تهدید کننده جرم بر می‌گردد و ممکن است میزان احساس ناامنی فرد با واقعیت خارجی میزان عوامل تهدید کننده مطابقت نداشته باشد یا بالعکس. متناسب با میزان و اثر عوامل تهدید کننده، میزان احساس ناامنی فرد نیز در نوسان می‌باشد. بنابراین نمی‌توان بیان کرد که در جامعه‌ای که امنیت وجود دارد، حتماً احساس امنیت نیز وجود دارد. زیرا که احساس امنیت از موارد دیگری همانند ذهنیت مردم از جامعه مورد مطالعه نشئت می‌گیرد. مثلاً ممکن است در جامعه‌ای امنیت از لحاظ انتظامی و پلیسی وجود داشته

باشد اما افراد احساس امنیت نکنند. در شرایطی احساس امنیت از قرارگیری انسان در شرایط محیطی به مثابه نوعی ادراک روانی حاصل می‌شود که از یک ساختار شهری و فرهنگی خاص با ساختار فرهنگی و اجتماعی دیگر متمایز می‌شود. (خدائی، ۱۳۸۸). در نمودار زیر عوامل تأثیرگذار بر احساس امنیت اجتماعی به نمایش درآمده است.



نمودار شماره ۱: الگوی تحلیلی عوامل تأثیر گذار بر احساس امنیت

احساس امنیت

عموماً برای تبیین مفهوم نظری امنیت دو بعد متمایز ذکر می‌شود: اول بعد عینی آن شامل پارامترهای عینی محیطی و رفتاری ارزیابی است و دوم بعد ذهنی که بر اساس احساس امنیت درک می‌شود. هر دو بعد می‌توانند بر یکدیگر تأثیر مثبت یا منفی بگذارند (گزارش سازمان بهداشت جهانی، ۱۹۹۸). «ایمنی بیشتر به سلامت جسمانی انسان و جلوگیری از تهدیدهایی اطلاق می‌گردد که می‌تواند سلامت فیزیکی انسان را به خطر اندازد. در حالی که امنیت بیش‌تر جنبه ذهنی و روانی دارد و به دنبال این است که چه چیزی باعث ایجاد حس امنیت در جامعه می‌شود و چگونه می‌توان آن را تقویت کرد» (پاکزاد، ۱۳۸۱). پس، امنیت «نوعی احساس آرامش و آسایش درونی قلمداد می‌شود که از مؤلفه‌های فعال محیط حاصل شده و پس از ادراک ذهنی به گونه‌ای احساس در امان بودن را به وجود می‌آورد و «احساس امنیت» نیز نوعی «ادراک روانی» است که ساختار شهری و فرهنگی خاص با ساختار فرهنگی- اجتماعی دیگر متمایز می‌شود. بر این اساس شکل‌گیری احساس امنیت از لحاظ روان شناختی وابسته به شرایط محیطی و از سوی دیگر نوع برداشت و سطوح ادراکی است» (حسینی، ۱۳۸۷).

امنیت شهری در کالبد شهری

امنیت ارتباط مستقیمی با فضا و ساخت شهری دارد که در رویکردهای جدید شهرسازی عنوان شهر ایمن مطرح می‌شود و در آن هر فضای شهری مناسب تا حد زیادی تأمین کننده امنیت، و فضای نامناسب، از بین برنده آن و زمینه ساز انواع آسیب‌ها و معضلات اجتماعی است. بر اساس نظریه‌های شهرسازی اجتماعی، ورود به مکان‌های عمومی شهر به توازن بین کنترل‌های اجتماعی و صمیمیت، امنیت و احساس ناامنی، آشنا و غریبه، شباهت‌ها و تفاوت‌ها بستگی دارد. بنابراین شهرها هم محل ترس و تمایل و هم تهدید و فرصت هستند که هم جاذبه و هم دافعه ایجاد می‌کند (Siebel, walter and Wehrheim, jan, 2003).

جین جیکوبز، یکی از نظریه‌پردازان شهری، «در تبیین امنیت شهری به تعامل فضای فیزیکی و فرآیندهای اجتماعی که محیط را می‌سازند توجه نموده و بر فعال بودن فضا به عنوان عاملی در ایجاد یک محیط امن و موفق تأکید می‌کند. وی ایجاد حرکت، استفاده‌های فعال از سطح خیابان و فعالیت‌های خیابانی و مراقبت‌های طبیعی از این فعالیت‌ها را به عنوان مؤلفه‌هایی در جهت ساختن محیط خوب شهری قلمداد می‌کند. اسکار نیومن نیز در باب فضاهای قابل دفاع عنوان می‌کند که مردم و طرح‌ها در یک «شهر خشونت آمیز»، از رویکردهای مشابه در رفتارهای اجتماعی و در جهت توسعه محیط امن، پیروی می‌کنند» (Boyle, 2002). باید افزود «برخی از مکان‌ها بر پایه ترس ساخته شده‌اند، ترس از فعالیت‌های منفی، ترس از برخورد با مردم، ترس از عبور از خیابان‌ها، حتی ترس از آب و هوا، و این ترس‌ها موجب قفل شدن افراد در محیط شده و ارتباط با جهان پیرامون را قطع کرده و یا محیط‌های عمومی را سخت و غیر جذاب می‌کنند» (www.pps.org, 2006).

بنابراین اصطلاح «امنیت کالبدی» مورد توجه قرار گرفته و می‌توان آن را «آسایش و آرامش و احساس رضایتی که شهروندان در نتیجه افزایش کارایی و مطلوبیت محیط و کالبد به دست می‌آورند که این مطلوبیت با برنامه ریزی دقیق، طراحی سنجیده و نظارت کافی در فضای شهری حاصل می‌شود» (حسینی، ۱۳۸۷) تفسیر نمود. از آنجا که منظر به عنوان بخشی موضوعی از کالبد نقش ایفا می‌نماید، می‌تواند تأثیر بسزایی در افزایش یا کاهش احساس امنیت شهری در محیط داشته باشد.

شاخص های سنجش احساس امنیت

با توجه به تعاریف مطرح شده، امنیت، به طور کلی احساس آرامش و اطمینان از عدم تعرض به جان و سایر متعلقات تعبیر می شود و محیط شهری نیز فضایی است که در آن می توان این احساس آرامش و اطمینان را در کاربرانش جستجو کرد. همچنین احساس امنیت نیز با توجه به تأثیرات ذهنی و روانی شکل گرفته از محیط، انسان را در موضع تصمیم گیری قرار می دهد تا محیط را امن یا ناامن تشخیص دهد و تعریف نماید. لذا بر اساس شاخص هایی می توان با سنجش احساس امنیت در استفاده کنندگان از فضاهای شهری سطح رضایت ذهنی و احساس آرامش آن ها را از محیط به دست آورد. این شاخص ها عبارتند از:

جاذب بودن محیط

ایجاد قابلیت جذب در فضای عمومی با استفاده از عوامل ذهنی و محیطی تأثیرگذار از جمله موضوع های مهم مورد توجه برنامه ریزان و طراحان شهری است. وجود محیط های ایمن منجر به جذب و تشویق حضور هرچه بیشتر شهروندان خواهد شد. لذا به دنبال آن شاهد افزایش سطح تعاملات اجتماعی و کاهش احساس ناامنی هستیم. در این خصوص نیز می توان به نظریه فضاهای قابل دفاع اسکار نیومن اشاره داشت که افزایش سطح جذابیت محیط را پیش نهاد می دهد تا در نهایت با حضور مردم مانع از متروکیت آن شویم.

آشنا بودن فضا و شهرت آن

آشنا بودن فضا و نداشتن حس غربت (که موجب ترس و اضطراب می شود) در تقویت احساس امنیت ذهنی فرد نقش مهمی دارد. زمینه ذهنی مثبت یا منفی به یادمانده از فضا در احساس درک شده نسبت به فضا تأثیرگذار می باشد (urton, Lynne, 2006). از این رو، مشهور بودن هر محیط به «بد» یا «خوب» و یا هر موضوع دیگر، حضور یا عدم حضور شهروندان را در آن محیط به دنبال خواهد داشت.

نظارت اجتماعی

مراقبت اجتماعی همان طور که در نظریه چشم های خیابان جین جکوبز نیز اشاره شده است، از عوامل تأثیرگذار در احساس امنیت است و بر فرایند نظارت و کنترل فضا دلالت دارد. البته این نظارت در قالب نظارت مصنوعی (دوربین های مدار بسته) نیز قابل انجام است (ضابطیان، ۱۳۸۷). لیچ نیز نظارت و کنترل را از مؤلفه های شکل خوب شهر بر می شمارد. بنابراین برنامه ریزی نظارت باید در درجه اول به صورت نظارت طبیعی برنامه ریزی شود و در ادامه، نظارت مصنوعی به تکمیل آن بیانجامد.

وضوح یا خوانایی

خلق محیط هایی با «وضوح یا خوانایی آشکار چشم انداز شهری» باید مورد توجه قرار گیرد. شهرهایی که در آنها پنج عنصر خوانایی شامل راه، لبه، محله، گره و نشانه) آشکار باشند، ارائه دهنده حظ بصری بیش تر، امنیت احساسی و ژرفای افزایش یافته بالقوه و تراکم تجربه انسانی هستند (مدنی پور، ۱۳۸۴).

تراکم جمعیت

از جمله مباحث دیگر مرتبط با شاخص های مؤثر بر احساس امنیت در فضاهای شهری «بی نظمی جمعیتی در محیط شهری و فعالیتی است که از عوامل جرم زا در شهرها و فضاهای عمومی شهری محسوب می شود؛ یعنی هنگامی که در محیط روابطی قاعده مند وجود نداشته باشد و در مکانی ازدحام جمعیت بلا تکلیف ایجاد شود، خود یکی از عوامل ایجاد حس ناامنی محسوب می شود» (علی آبادی، ۱۳۸۱). جمعیت موجود در فضای شهری می توان در بروز ناهنجاری های اجتماعی و فرهنگی مؤثر باشد. تراکم بالای جمعیت در هر مکان عمومی اگر چه در بعضی اوقات بر میزان حضور افراد و امنیت محیط اثرگذار است، ولی در مواقعی دیگر باعث سلب آسایش و آرامش و عدم حضور گروه های آسیب پذیر می شود. فضاهای متراکم از انبوه جمعیت ناآشنا و غریبه، محیطی مساعد برای تخطی از قواعد و هنجارهای شهری را فراهم می کنند و زمینه جرم را به وجود می آورند (حسینی، ۱۳۸۷). بنابراین، داشتن احساس ازدحام و شلوغی از هر محیط به دلیل ایجاد ذهنیت، مانع از حضور در آن خواهد شد.

حس تعلق

تجربه های مثبت و وقایع و رخدادهایی خاص و خاطرات مثبت، همگی در ایجاد تعلق مکانی مؤثرند. ارزیابی مثبت نیز در ایجاد تعلق مکانی تأثیر دارد (رضازاده، ۱۳۸۰). البته تعلق و احساسات منبث شده از آن دارای دو بعد اجتماعی و کالبدی است که در فرایندهای اجتماعی و ذهنی در ایجاد حس تعلق بیش از کیفیت کالبدی تأثیرگذار و واجد اهمیت است. داشتن تصویر ذهنی کامل از پدیده فضایی به منزله ادراک منطقی آن و در صورت استمرار، موجب احساس این همانی، و این همانی باعث احساس من و ما در محیط، احساس امنیت، آسودگی خاطر و اعتماد به نفس و تطبیق پذیری و سازگاری با فضا است (رفیعی زاد، ۱۳۸۴). بنابراین تمام شهروندان می توانند با احساس تعلق، فضای شهری را متعلق به خود دانسته و بدون احساس ترس و اضطراب از آن استفاده نمایند.

جنسیت و احساس امنیت

جنسیت به عنوان تأثیر گذارترین عامل شخصیتی در احساس ناامنی مطرح شده است. نوع جنایت در مورد زنان و مردان متفاوت است و حس امنیت آنان نیز تبعاً متفاوت است. مکان‌های شهری محل وقوع اتفاقات شهری است. رشد سریع و ناگهانی شهرها، تفاوت‌های غیر منصفانه بین کشورها، سودجویی، بی عدالتی و مرگ عرصه عمومی ناامنی برای زنان را پدید آورده است. عموماً زنان نسبت به مردان بیشتر احساس ترس می‌کنند. گرچه ممکن است کمتر از مردان قربانی خشونت در محیط‌های عمومی شهری شوند. به طور کلی مردان احساس مثبت تری در مورد محیط خودشان نسبت به زنان دارند (اصفهانیان، ۱۳۹۲).

مؤلفه‌های کالبدی مؤثر بر احساس امنیت اجتماعی

الف) روشنایی

تحقیق‌های صورت گرفته نشان داده‌اند که روشنایی می‌تواند احساس امنیت بیشتری را ایجاد کند. در پژوهشی که توسط رضویان و آقایی (۱۳۹۳) به انجام رسیده، نتایج پژوهش گویای آن است که ترس از تاریکی در شب‌ها و عدم روشنایی از عواملی هستند که موجب ناامنی در فضاهای شهری می‌شوند. زیرا مهم ترین ویژگی شرایط آلودگی رفتاری و جرم خیزی در زمان شب، تاریکی و کم نوری و توزیع نامناسب روشنایی هستند.

ب) نمایانی و نظارت پذیر بودن فضا

کیفیت محیطی هستند که بر اساس آنها فضاهایی که احتمال وقوع جرم در آنها بیشتر است باید در معرض دید ساکنان قرار گیرند. برای رسیدن به این کیفیت، مهم ترین عامل در طراحی چگونگی قرارگیری ساختارها و فضاهای فعالیتی نسبت به فضاهای جرم خیز است (استیومن، ۲۰۰۵).

ج) فضاهای بی دفاع شهری

فضاهایی که در حاشیه قرار گرفته‌اند بیشترین امکان جرم خیزی را دارند. بعضی از فضاهای شهری به دلیل شرایط کالبدی خاص یا ویژگی‌های عملکردی در آنها، می‌توانند زمینه ساز جرایم شهری باشند که به آنها فضاهای بی دفاع شهری گفته می‌شود. محققان عرصه جرم شناسی و مطالعات شهری به این نتیجه رسیده‌اند که با تأثیر گذاردن بر محیط فیزیکی و موقعیت بزهکار و بزه دیده، با هدف دشوار یا سلب نمودن امکان وقوع جرم و کاستن از جاذبه‌های محیطی بزهکاری، می‌توان از آمار جرایم کاست. از مهم ترین و مؤثرترین منابع بازدارنده جرایم و آسیب‌ها، تعامل‌های اجتماعی میان اعضای جامعه هستند. از کارکردهای اصلی محیط‌های شهری، ایجاد و حفظ حس امنیت در میان شهروندان است؛ امنیتی که بنابر قاعده، با کمک تعامل‌های اجتماعی افزایش می‌یابد (قلیچ و عماری، ۱۳۹۳).

د) مبلمان شهری

از مهم ترین عوامل کالبدی شهر که شاید کمتر بدان پرداخته شده است، مبلمان شهری را می‌توان بیان کرد. مبلمان متناسب شهری یکی از عوامل افزایش حضور افراد پیاده در شهر و در نتیجه ارتباط بیشتر مردم در محیط خود، جامعه و ایجاد سلامت روانی و آرامش شهروندان می‌باشد و شامل تجهیزاتی است که هر یک کارکرد خاصی دارند و آنچه اهمیت دارد مکان یابی مناسب این تجهیزات است. توزیع مناسب مبلمان در فضای شهر و به تبع آن حضور افراد در این فضاها مانع از درحاشیه قرار گرفتن قسمتی از شهر می‌شود و در نتیجه باعث افزایش احساس امنیت خواهد شد.

و) مقیاس فضا

مقیاس فضا یکی از عواملی بسیار مهم محیطی تأثیرگذار در میزان امنیت محیط‌های شهری است. وجود فضاهای بی کران و بزرگ مقیاس امکان نظارت اجتماعی را کم می‌کند. همچنین با زیاد شدن فاصله افراد (به خصوص افراد پیاده) از یکدیگر، امکان دریافت کمک از دیگران در هنگام خطر کاهش می‌یابد. به این منظور باید برای امن نمودن فضاهای شهری بزرگ مقیاس مانند پارکها یا فضاهای باز بین ساختمان ها، تمهیدهای خاصی اندیشیده شود. این تمهیدها شامل نورپردازی مناسب فضا، ایجاد فعالیت‌های مختلف و مختلط در فضا و همچنین تحت نظارت قرار دادن آن هستند (گزارش جهانی Rothrock, 2010).

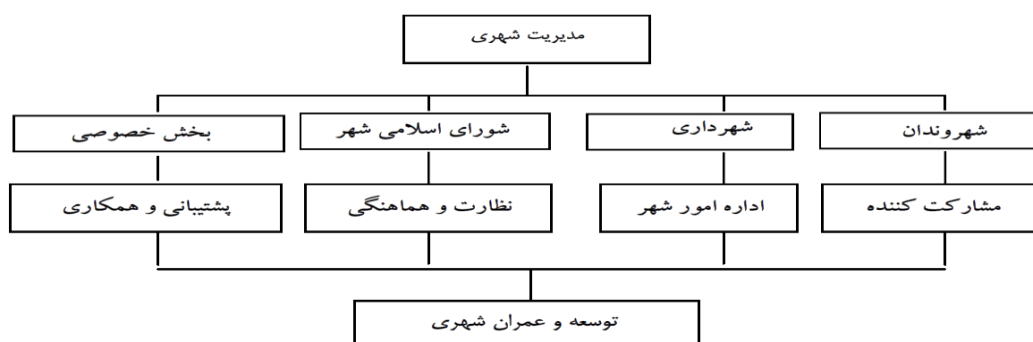
مدیریت شهری

در نیم قرن اخیر، شهرها با سرعت زیادی گسترش یافته‌اند، به طوری که افزایش درجه شهرنشینی و جمعیت شهری که از مهمترین جنبه‌های تغییر جهانی است (Xu et al., 2007) به عنوان یک واقعیت غیرقابل انکار (تولایی، خزایی، ۱۳۸۵) مقدمه رشد و توسعه گسترده شهری را فراهم آورده و تغییرات وسیعی از مقیاس محلی تا جهانی در کاربری و پوشش زمین ایجاد کرده است (Yun Yu et al., 2007). باتوجه به این که امروزه در سراسر جهان، رشد شهری هم از نظر جمعیت و هم از نظر گسترش فضایی، منجر به تغییرات گسترده‌ای شده است (Rafiee et al., 2009)، این پدیده به همراه پدیده شهرنشینی و رکود شهری در نقطه ثقل نگرانی‌های برنامه ریزان شهری قرار گرفته است (Alden, 1996)؛ به طوری که مطالعه جدی از سوی جغرافی دانان و برنامه‌ریزان شهری و همچنین سیاست‌مداران را می‌طلبد (AL-Ahmadi et al., 2009) در این ارتباط اگر افزایش جمعیت شهرها و گسترش آنها را به معنای چند برابر شدن مسائل و مشکلات موجود در شهرها به همراه افزایش درخواست خدمات بدانیم، اولیا نهادی که در این زمینه برای مقابله با مسائل فوق مطرح می‌شود، نهاد مدیریت شهری است. در واقع تحولات شهری و جمعیت آن در جهان در دو دهه اخیر چالش‌هایی را برای سیستم مدیریت شهری به وجود آورده است که تا قبل از این با این چالش‌ها مواجه نبوده است (UN Habitat, 2009).

در کنار چالش‌ها، یکی از اصلی‌ترین موانع فراروی مدیریت شهری به خصوص در کلان شهرها، چندپارگی مدیریت شهری در عرصه سیاست‌گذاری، تصمیم سازی، برنامه ریزی، هدایت و نظارت است. شهر سیستمی‌باز است که ساختارهای این سیستم هر کدام دارای کارکردهای خاص خود است. این عملکردها و کارکردها در پیوستگی زمانی، مکانی و فضایی، در حال تغییر و تحول و همچنین در حال تولید مجدد هستند. ولی بایستی توجه شود کل سیستم شهر چیزی فراتر از تمام اجزا، ساختارها، کارکرد و عملکردهای آن است، یعنی اگر ساختارها و عملکردهای یک شهر از هم منفک و تجزیه شوند، پیوند دوباره آنها دیگر شمایل سیستم شهر را ندارد. مسأله‌ای که امروزه بیشتر در حوزه مدیریت شهری کشورهای در حال توسعه، از جمله ایران به چشم می‌خورد، تعدد مراجع و نهادهای مختلف مسئول با تأثیرپذیری از قوانین موجود است. این قوانین، با ساختار و چارچوب کاری که بدون توجه به سایر نهادها برای خود تعریف می‌کنند، ضمن ایجاد ناهماهنگی در سیستم مدیریت شهری، مشکلات مختلفی را ایجاد می‌کنند که با تشدید مسائل موجود در شهر در نهایت باعث نارضایتی عمومی می‌شوند. به طوری که در برخورد این مسائل با ساختار فعلی، نمی‌توان امیدی به بهبود داشت (لطیفی، ۱۳۸۷) در واقع، مدیریت شهری مسئولیت حکومت شهری است و تمام حوزه‌های توسعه شهری از خصوصی تا عمومی را در بر می‌گیرد (Amos, 1989) و از طریق مشارکت گسترده و در کنش متقابل با گروه‌های ذینفع به تنظیم راهبردها و مدیریت عملکردهای شهری می‌پردازد (Oliver, 2008). به طور کلی مدیریت شهری تلاش برای هماهنگ کردن و یکپارچه کردن اقدامات دولتی و خصوصی برای چیره شدن بر مسائلی که ساکنان شهرها با آن مواجه هستند (Van Dijk, 2006:53-56) می‌باشد. بر پایه نگاه سازمانی به مدیریت شهری آن را سازمانی پنداشته‌اند که در رأس آن عنصری برای برنامه‌ریزی آینده و اداره امور کنونی قرار می‌گیرد که آن را مدیریت شهری می‌نامند. مدیریت شهری یک سازمان گسترده متشکل از عناصر و اجزای رسمی مؤثر و ذی‌ربط به شمار می‌رود که در ابعاد مختلف اجتماعی- اقتصادی و کالبدی حیات شهری با هدف اداره، کنترل و هدایت توسعه همه جانبه و پایداری شهری عمل می‌کند (یحیی پور و هاشمی، ۱۳۹۰).

عناصر مدیریت شهری و نقش آن‌ها

به طور کلی مدیریت شهری از چهار عنصر اصلی تشکیل یافته است، در شکل (۳)، این چهار عنصر به تفکیک نقش قابل مشاهده می‌باشد:



شکل (۳): نقش عناصر مدیریت شهری (مأخذ: صرافی، ۱۳۸۷: ۱۳۰)

ارتباط بین عملکرد مدیریت شهری و سرمایه اجتماعی اقتباس شهروندان با امنیت اجتماعی

از دهه ۱۹۸۰ به بعد مفهوم سرمایه اجتماعی به طور فزاینده‌ای مورد توجه دانشمندان و دست اندرکاران علوم مختلف قرار گرفته است (Brunie, 2009:251) به طوری که امروزه سرمایه اجتماعی به عنوان کلید موفقیت و شکست در مدیریت منابع طبیعی، به رسمیت شناخته شده است (Lopez-Gunn, 2012:1140). در جوامعی که میزان سرمایه اجتماعی بالاست، ساکنان آن تمایل بیشتری به زندگی سالم‌تر و شادتر دارند و در برابر تنش‌های روانی مقاومت بهتری از خود نشان می‌دهند (Weil & et al, 2012:110). سرمایه اجتماعی یکی از عوامل محیطی تعیین کننده سطح سازگاری و سلامت جامعه محسوب می‌شود (پارسامهر و ترکان، ۱۳۹۱: ۷۰) و از راه‌های متفاوتی افراد را بهرمند می‌سازد که اولین آن گسترش اطلاعات در مورد چگونگی رفتار جهت بهبود سلامتی و اتخاذ شیوه زندگی سالم در میان افراد می‌باشد (Borgonovi, 2010). سرمایه اجتماعی به عنوان یک مفهوم تئوریک، متغیرهایی مانند مشارکت در جامعه محلی، اعتماد، انسجام اجتماعی، شبکه‌های اجتماعی، روابط متقابل و کانال‌های اطلاعاتی را در بر می‌گیرد (Kritsotakis & et al, 2011). در غیاب سرمایه اجتماعی، اثر بخشی سایر سرمایه‌ها کاهش می‌یابد و پیمودن راه‌های توسعه و تکامل فرهنگی و اقتصادی، ناهموار و دشوار می‌شوند. در دیدگاه‌های سنتی مدیریت، توسعه سرمایه‌های اقتصادی، فیزیکی و نیروی انسانی مهم‌ترین نقش را ایفا می‌کردند، اما در عصر حاضر برای توسعه، بیشتر از آنچه که به سرمایه اقتصادی، فیزیکی و انسانی نیازمند باشیم به سرمایه اجتماعی نیازمندیم، زیرا بدون این سرمایه، استفاده از دیگر سرمایه‌ها به طور بهینه انجام نخواهد شد. از این رو موضوع سرمایه اجتماعی به عنوان یک اصل محوری برای دستیابی به توسعه محسوب شده است (نیازی و شیرازی، ۱۳۸۹). گسترش شهرنشینی به همراه مسائل و مشکلات خاص زندگی شهری، ضرورت توجه همه جانبه به راهبردهای سودمند برای بهینه سازی زندگی ساکنان شهرها را، بیش از پیش لازم ساخته است (عباس زاده و همکاران، ۱۳۹۰) در این بین روش‌های سنتی مدیریت شهری، دیگر جوابگوی نیازهای شهروندان در عصر جدید نیست و مدیریت شهری نیز مناسب با نیازها باید مدرن شود، چرا که نیازهای جدید شکل گرفته‌اند (Gao, 2012). مدیریت شهری در ایران با چالش‌های فراوانی روبروست که یکی از دلایل آن ضعیف بودن بعد مشارکتی مردم در زمینه مدیریت شهری می‌باشد (Zamani & Arefi, 2012)، لذا مدیریت شهری به عنوان مهم‌ترین نهاد اداره کننده شهر که به طور مستقیم با شهروندان در ارتباط می‌باشد باید نقش خود را در بالا بردن میزان سرمایه اجتماعی شهروندان ایفا نماید.

شهرداری و نقش آن در مدیریت شهری

امروزه با افزایش جمعیت در شهرها شاهد بروز مشکلات عدیده‌ای هستیم که از جمله این مشکلات می‌توان به کمبود احساس امنیت در شهرها، آلودگی صوتی، مشکلات حمل و نقل درون شهری، زاحه نشینی و غیره اشاره کرد و اگر چاره‌ای اساسی اندیشیده نشود این مشکلات در زمینه زندگی شهری به صورت مسائل حاد جلوگیری می‌کند. همچنین جمعیت پذیری شهرها به همراه مسائل اجتماعی و اقتصادی آنها، مشکل کاملاً تازه‌ای از شهر، شهرنشینی و شهرگرایی به وجود آورده است که به آنچه در نیمه اول قرن بیستم در شهرها دیده می‌شود تفاوت بسیاری دارد (اصفهانیان، ۱۳۹۲). با توجه به اینکه بخش ساکن در شهرها بسیار زیاد هستند، لزوم به کارگیری تدابیری موثر از سوی سازمان‌ها و ارگان‌هایی که در مدیریت شهری نقش تعریف شده‌ای دارند احساس می‌شود، یکی از این نهادها که نقش محوری در جهت بالا بردن کیفیت زندگی در محیط‌های شهری، فراهم نمودن امکانات، ارائه خدمات و غیره ایفا می‌کند شهرداری است. شهرداری موسسه مستقل و عمومی است که به منظور اداره امور محلی از قبیل عمران و آبادی، بهداشت شهر، تأمین رفاه و آسایش اهالی شهر به عنوان زیستگاه مطلوب تأسیس شده است. امروزه در کشورهای پیشرفته جهان وظایف شهرداری روز به روز گسترده‌تر می‌شود و شهرداری‌ها به عنوان نهادهای مدنی، محلی، عمومی و غیر انتفاعی وظایف بیشتری را بر عهده می‌گیرند. گستردگی وظایف شهرداری‌ها در کشورهای توسعه یافته ناشی از نگرش نوینی است که شهرداری‌ها به عنوان سازمان‌های مسئول در مدیریت شهری وجود دارد (یزدان‌پناه، ۱۳۹۳). با توجه به فعالیت‌هایی که شهرداری انجام می‌دهد یکی از مهم ترین این فعالیت‌ها ارتقاء امنیت شهری شهروندان در فضای عمومی شهر می‌باشد، که ارتقای امنیت شهری را بر اساس بعد کالبدی و اجتماعی شهر بر عهده دارد. با ارتقاء هر کدام از این ابعاد در فضای عمومی شهری می‌توان به ارتقاء کیفیت و امنیت زندگی در شهر دست یافت، زیرا که در برنامه ریزی شهری طراحی فضاهای عمومی تأثیر بیشتری بر زندگی روزانه زنان و مردان دارد. ضرورت و اهمیت این موضوع باعث شده که شهرداری‌ها به ارتقای فضای عمومی شهری بپردازند (مرادی، ۱۳۹۵).

نتیجه گیری

همانطور که بیان شد هیچ عنصری برای پیشرفت، توسعه و تکامل یک جامعه و همچنین شکوفایی استعدادها مهم‌تر از عنصر امنیت و تأمین آرامش در جامعه نیست و توسعه اجتماعی، خلاقیت و فعالیت ارزشمند بدون امنیت امکان پذیر نخواهد بود. به طور اصولی انسان برای رسیدن به اهداف والای انسانی بعد از برآوردن نیازهای فیزیولوژیکی، نیاز به امنیت و احساس امنیت دارد که در این میان مهم‌تر از امنیت، موضوع احساس امنیت است. در صورت احساس امنیت علاوه بر آن که آرامش را برای شهروندان به ارمغان می‌آورد، در نهایت احساس مطلوبیت و رضایت محیطی را در شهروندان تقویت می‌کند، که ایجاد این احساس امنیت، یکی از مهمترین وظایف برنامه‌ریزی در مدیریت شهری است. بنا بر آنچه بیان شد، امنیت از مهم‌ترین مقولات وابسته و پیوسته با شهر است که نشان از اهمیت فزاینده آن در فرآیند برنامه‌ریزی و طراحی دارد. زیرا فضای شهری مناسب تا حد زیادی تأمین کننده امنیت است و این فضاها از طریق طراحی مطلوب، نور پردازی مطلوب، ایجاد فضاهای زنده و پرتحرک از وقوع جرایم جلوگیری و امنیت شهری را برای شهروندان می‌تواند فراهم سازد.

فضاهای شهری به عنوان تجلی‌گاه کالبدی شهر، باید نیازهای اجتماعی شهروندان را برآورده کند و بسترهای لازم را در دسترسی و تأمین خدمات مورد نیاز استفاده کنندگان فراهم سازد و شرایطی را به وجود آورد تا شهروندان از فضاهای مختلف شهری لذت ببرند. مقوله امنیت و توجه به ابعاد مختلف آن، یکی از مهمترین موارد مورد توجه در این زمینه است که می‌تواند ارتباطات اجتماعی بین افراد یک اجتماع را وسعت داده و سرمایه‌ی اجتماعی عظیمی را که خود عاملی جهت ثبات، آرامش و لذت از فضاهای مختلف شهری است، به وجود آورد.

مهم‌ترین عوامل موثر در موفقیت عملکرد مدیریت شهری، سرمایه اجتماعی شهروندان می‌باشد که نقش بسیار مهم‌تر از سرمایه فیزیکی و انسانی در سازمان‌ها و جوامع ایفا می‌کند و شبکه‌های روابط جمعی و گروهی، انسجام بخش میان انسان‌ها، سازمان‌ها و انسان‌ها و سازمان‌ها با سازمان‌ها می‌باشد.

افزایش مداوم جمعیت شهری به همراه شکل‌گیری نیازهای جدید و متنوع شهروندان، مسئولیت مدیران شهری را روز به روز با اهمیت‌تر می‌کند، به نحوی که امروزه وظایف مدیریت شهری از لحاظ حجم کاری و نوع وظایف، با گذشته قابل مقایسه نمی‌باشد و دیگر نمی‌توان با دیدی صرفاً خدماتی به مدیریت شهری نگریست.

در واقع می‌توان گفت امنیت تنها به صرف نگاه‌های یک جانبه و یک سو نگر به شهر ممکن نمی‌شود، بلکه امنیت شهری نیازمند شناسایی و بررسی تمام مولفه‌های وابسته به مفهوم امنیت است. امنیت شهروندان مسأله‌ی پیچیده‌ایست، از این رو شهرداری باید به خلق فضاهای قابل دفاع و ایمن و امن، بپردازد و از خلق فضاهایی که احتمال وقوع جرم و افزایش جرایم را میسر می‌کند، اجتناب ورزد.

در واقع می‌توان امنیت از طریق طراحی را رویکردی مناسب برای تحقق شهری ایمن دانست که بر اساس آن با به کارگیری طراحی مناسب و هدفمند محیط انسان ساخت، معماران و شهرسازان می‌توانند مجال ترس از جرم و تبهکاری را کاهش داده و کیفیت زندگی را بهبود بخشند.

به طور کلی نتایج و یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که مفهوم امنیت در فضای شهری از مقولات مشترک بین روانشناسان طراحان شهری است و شهرداری به عنوان سازمان مسئول در مدیریت شهری، ارتقاء امنیت شهری شهروندان را براساس بعد کالبدی و اجتماعی شهر بر عهده دارد. با ارتقاء هر یک از این ابعاد در فضای عمومی شهری می‌توان به ارتقاء امنیت شهری دست یافت.

منابع و مراجع

منابع فارسی

۱. اصفهانیان، فرناز (۱۳۹۲). بررسی نقش شهرداری زنجان در ارتقا امنیتی زنان در عرصه عمومی: وزارت علوم، تحقیقات و فناوری - دانشگاه فردوسی مشهد - دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر علی شریعتی.
۲. بکان، امیر (۱۳۸۹). اعلامیه جهانی حقوق بشر: حوض نقره.
۳. بمانیان، محمدرضا و محمودی نژاد، هادی (۱۳۸۷)، تحقیقی در سنجش عوامل تأثیرگذار بر احساس امنیت شهروندی (نمونه موردی: کرمان)، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۱۹.
۴. پاکزاد، جهان‌شاه (۱۳۸۸). سیر اندیشه‌ها در شهرسازی: از "فضا" تا "مکان": شهیدی.
۵. پاکزاد، جهان‌شاه (۱۳۸۱)، «میزگرد نقش فضاهای شهری در تأمین امنیت اجتماعی»، شهرداری ها، سال چهارم، شماره چهل و یکم.
۶. جهان‌تاب، محمد (۱۳۹۰). تأثیر سرمایه اجتماعی بر احساس امنیت (رساله دکتری). دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی. تهران.
۷. حبیبی، محسن. (۱۳۸۶). گام‌های پیوسته شهر در بازه یک سده شهرداری (گفتگو). مجله شهرداری‌ها (۸۶) ۸ و ۳۱.
۸. حسینی، فرزانه (۱۳۸۷)، بررسی و ارائه شاخص‌های کالبدی-کارکردی موثر بر ارتقا امنیت فضاهای عمومی شهری، نمونه موردی: پارک دانشجو، پایان نامه کارشناسی ارشد شهرسازی، تهران، دانشگاه تربیت مدرس.
۹. حسینیون، سولماز (۱۳۸۶). ایجاد حس امنیت در فضاهای شهری. شهرداری‌ها. سال هشتم.
۱۰. حیدرپورشاده‌ی، معصومه؛ عموزاده لیچایی، افشین (۱۳۹۳). آرایه الگویی جهت پیشگیری از جرم و کاهش جرایم و ارتقا امنیت محیطی در محله مسکونی با تکیه بر رویکرد طراحی محیطی (C.P.T.E.D) اولین کنفرانس ملی شهرسازی، مدیریت شهری و توسعه پایدار.
۱۱. خدائی، زهرا؛ رفیعیان، مجتبی (۱۳۸۸). بررسی شاخص‌ها و معیارهای موثر بر رضایتمندی شهروندان از فضاهای عمومی شهری. راهبرد. سال نوزدهم (۵۳): ۲۲۷-.
۱۲. ربیعی، علی (۱۳۸۴). مطالعات امنیت ملی (مقدمه‌ای بر نظریه‌های امنیت ملی در جهان سوم): وزارت امور خارجه، مرکز چاپ و انتشارات.
۱۳. رفیعی زاد، ناصر (۱۳۸۴)، «فرایند اجتماعی-فضایی هویت شهر»، مجله آبادی، سال پانزدهم، شماره چهل و هشتم.
۱۴. روشندل، جلیل (۱۳۹۵). امنیت ملی و نظام بین‌المللی: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
۱۵. صادقی، لقمان؛ بنی‌عمریان، جواد؛ ذوقی، ایوب (۱۳۹۰). نقش شهرسازی در ارتقاء امنیت شهری. دانش انتظامی کردستان، شماره ۸.
۱۶. صالحی، اسماعیل (۱۳۸۷). ویژگی‌های محیطی فضاهای شهری امن: مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.
۱۷. صالحی، اسماعیل، (۱۳۸۳)، عوامل فضایی و کالبدی موثر در پیدایش آنومی در محله‌های شهری، چکیده مقالات همایش توسعه محله‌ای چشم‌انداز توسعه پایدار شهر تهران، تهران.
۱۸. صرافی، مظیر، (۱۳۸۷)، تحلیل مفهوم شهروندی و ارزیابی جایگاه آن در قوانین، مقررات و مدیریت شهری کشور، پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۶۳، صص ۱۱۵-۱۳۴.
۱۹. ضابطیان، الهام (۱۳۸۷)، شناسایی و تحلیل عوامل موثر بر ارتقای امنیت زنان در محیط شهری، پایان نامه کارشناسی ارشد شهرسازی، تهران، دانشگاه تربیت مدرس.
۲۰. عیوضی، محمدرحیم (۱۳۸۰). ارتباط بین توسعه سیاسی و امنیت عمومی. تهران: انتشارات وزارت کشور.
۲۱. قاسمی کیا، محمد مهدی؛ ملک‌شاهی، سجاد؛ عبدالهی، سامان (۱۳۹۴). بررسی جرم شناختی عوامل موثر بر احساس امنیت اجتماعی در جوانان شهر خرم آباد. چهارمین کنفرانس بین‌المللی روانشناسی و علوم اجتماعی.
۲۲. قرایی، فریبا، رادجهانبانی، نفیسه و رشیدپور، نازیلا، ۱۳۸۹، "بررسی و سنجش حس امنیت در مناطق مختلف شهری"، فصلنامه علمی پژوهشی آرمانشهر، شماره ۴، بهار و تابستان ۱۳۸۹، صص ۱۷-۳۲.
۲۳. قرایی، فریبا؛ رادجهانبانی، نفیسه (۱۳۸۹). بررسی و سنجش حس امنیت در مناطق مختلف شهری. معماری و شهرسازی آرمان شهر. سال سوم (۴): ۶-.
۲۴. قلیچ، مرتضی و حسن عماري (۱۳۹۳). درآمدی بر فضای بی دفاع شهری. انتشارات تیسرا.

۲۵. کجباف، محمدباقر؛ ربانی، رسول (۱۳۸۱). روان‌شناسی رفتار ترس: دیدگاهها و نظریه‌ها با تاکید بر عوامل اجتماعی: آوای نور.
۲۶. گلی، علی (۱۳۹۰). زنان و امنیت در فضاهای عمومی شهری (مطالعه موردی: پارک آزادی شیراز). جامعه‌شناسی تاریخی، سال سوم (۲): ۱۴۳.
۲۷. الماسی فر، نینا، انصاری، مجتبی، ۱۳۸۹، بررسی امنیت محیطی در پارک‌های منطقه‌ای به عنوان بخشی از فضاهای شهری از دیدگاه زنان بر پایه رویکرد CPTED، دو فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۲۵، بهار و تابستان ۱۳۸۹، صص ۲۱-۳۴.
۲۸. مدنی پور، علی (۱۳۸۷)، طراحی فضای شهری: نگرشی بر فرایندهای اجتماعی و مکانی، ترجمه فرهاد مرتضایی، انتشارات شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری، تهران.
۲۹. مرادی، حسین (۱۳۹۵). بررسی مسائل و معضلات مدیریت شهری در مجموعه شهرداری ها نمونه موردی شهر مهاباد. چهارمین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم جغرافیا و برنامه ریزی، معماری و شهرسازی.
۳۰. هزارجریبی، جعفر؛ صفری‌شالی، رضا (۱۳۸۸). بررسی رضایت از زندگی و جایگاه احساس امنیت در آن. مجله انتظام اجتماعی، شماره سوم.
۳۱. یزدان پناه، انیس (۱۳۹۳). بررسی نقش شهرداری ها در مدیریت شهری ایران و جهان. اولین کنگره تخصصی مدیریت شهری و شوراهای شهر.

منابع لاتین

1. Amos. F. (1989). Strengthening municipal government, *Journal of Cities*, 6(3), 202-208.
2. Armitage, R. (1999). "An evaluation of secured by design housing schemes throughout the West Yorkshire area." University of Huddersfield.
3. Borgonovi, Francesca, (2010), A life-cycle approach to the analysis of relationship between social capital and health in Britain, *Social Science & Medicine* 71, p1927-1934.
4. Boyle JJ, Findlay C, Forsyth L. An Investigation into Women's Perceptions of Fear and the Design of the Urban Environment: Heriot-Watt University; ۲۰۰۳
5. Brunie, Aurelie, (2009), Meaningful distinctions within a concept: Relational, collective, and generalized social capital, *Social Science Research* 38, p251-265.
6. Cozens, P. (2002). "Sustainable urban development and crime prevention through environmental design for the British city. Towards an effective urban environmentalism for the 21st century." *Cities* 19(2): 129-137.
7. Dan Fleisher and Fred Heinemann (1996) *Crime prevention Through Environmental Design and Community policing*. Washington .DC: US Department of Justice .August 1996 pp. 34-41.
8. Gao, Lei, BohdanDurnota, Yongsheng Ding, Hua Dai, (2012), An agent-based simulation system for evaluating gridding urban management strategies, *Knowledge-Based Systems*, vol26, pp(174-184).
9. Lopez-Gunn, E, (2012), Groundwater governance and social capital, *Geoforum* 43, p1140- 1151.
10. Lubuva, John and Mtani, Anna (2004), Urban Space and Security: A Case of the Dar es Salaam, *Safety Audits for Women*, Dar es Salaam, Tanzania, 13-17.
11. Oliver, P. A. (2008). City leadership: At the heart of the global challenge, *Journal of Global Asia*, 3(3), 21-24.
12. Rothrock. Sara E. (2010). Antiterrorism design and public safety: reconciling CPTED with the post, Massachusetts Institute of Technology. Dept. of Urban Studies and Planning.
13. Siebel W, Wehrheim J. Security and the urban public sphere. *German Policy Studies*. ۲۰۰۶; ۳(۱): ۱۹
14. UN Habitat. (2009). *Planning Sustainable Cities*, Global Report on Human Settlements, London: United Nation Human Settlement Programme.
15. Weil, Frederick, Matthew R, Lee, Edward S, Shihadeh, (2012), The burdens of social capital: How socially-involved people dealt with stress after Hurricane Katrina, *Social Science Research* 41, p 110-119.
16. www.pps.org, 2006.

17. Xu, M., Liu, C., An, S. Chen, S. and Yan, P. (2007). Assessing the impact of urbanization on regional net primary productivity in Jiangyin County, China. *Journal of Environmental Management*, 85(3), 597–606.
18. Yun Yu, X. and Nam, Ng, Ch. (2007). Spatial and temporal dynamics of urban sprawl along two urban–rural transects: A case study of Guangzhou, China, *Journal of Landscape and Urban Planning*, 79(1), 96- 109.